# فهرست مطالب

[خطبه اول 2](#_Toc428560593)

[شخصیت ‏ امام حسین (ع) 2](#_Toc428560594)

[ویژگی‌های اخلاقی امام حسین (ع) 2](#_Toc428560595)

[شجاعت 2](#_Toc428560596)

[جوان‏مردی و بزرگواری 3](#_Toc428560597)

[خداترسی 3](#_Toc428560598)

[علم حسین (ع) 4](#_Toc428560599)

[جود و سخای حسین (ع) 4](#_Toc428560600)

[زهد امام حسین (ع) 5](#_Toc428560601)

[مهربانی با خانواده 5](#_Toc428560602)

[احترام به برادر 6](#_Toc428560603)

[خطبه دوم 6](#_Toc428560604)

[حفظ ارزش‌های عزاداری امام حسین (ع) 7](#_Toc428560605)

[تقویت انگیزه های درونی 8](#_Toc428560606)

[اجتناب از تنش و ایجاد اضطراب 8](#_Toc428560607)

[عدم مقایسه 9](#_Toc428560608)

[دعا 9](#_Toc428560609)

# خطبه اول

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین.**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **«یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»[[2]](#footnote-2) عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# شخصیت ‌ امام حسین (ع)

امام حسین (ع)، امام سوم شیعیان، شهید کربلا و ملقب به ثارالله است که نهضت عاشورا بر محور فداکاری و جان‌فشانی آن حضرت شکل گرفت. حسین علیه اسلام، تاریخ بشری را از حماسه و ایثار کرد و درس آزادگی و عزت به انسان‌ها آموخت. او با تقدیم خون خویش در کربلا، درخت اسلام را آبیاری کرد و مسلمانان را بیدار ساخت. پرداختن به شخصیت والا و الهی آن رادمرد جهان اسلام و بررسی جنبه‌های گوناگون حیات آسمانی آن سپهر ایمان، شناختی درخور و مجالی فراتر می‌طلبد. در این بخش‌بر آنیم در حد توان با گزینشی از مکارم اخلاق آن امام همام و سیره و سخن آن پیشوای بزرگ، ره‌توشه‌ای برای رهروان راه ولایت فراهم کنیم.

# ویژگی‌های اخلاقی امام حسین (ع)

شجاعت  
دلاوری و بی‌باکی برای مقابله با دشمن و هراسیدن از خطرها و اقدام‌های دشوار یکی از مهم‌ترین ملکات اخلاقی است که در حسین بن علی (ع) ویاران شهیدش و آزادگان اهل‌بیت علیهم‌السلام جلوه‌گر بود. روح حماسی در میدان‌های نبرد در خصلت‌های فردی و زمینه‌های تربیتی آن امام ریشه داشت. قیام کربلا از نخستین مراحل تا پایان آن، تجلی‌گاه شجاعت امام بود. صلابت و قاطعیت امام حسین (ع) در مخالفت کردن بایزید و خودداری ورزیدن از بیعت با وی، تصمیم گرفتن برای حرکت به‌سوی کوفه و مبارزه بایزیدیان، متزلزل نشدن روحیه از شنیدن اخبار داخل کوفه، اعلام آمادگی برای نثار خون درراه احیای دین، نهراسیدن از انبوهی سپاه گردآمده در کربلا، رزم‌آوری‌های سلحشورانه و بی‌نظیر امام حسین (ع) و سربازان و خاندانش، جنگ نمایان عباس، علی‌اکبر و قاسم و... و صدها صحنه حماسی دیگر، همه جلوه‌هایی از شجاعت حسین بن علی (ع) ویارانش و بخشی از الفبای فرهنگ عاشورا است. خاندان پیامبر در شجاعت و قوت قلب و دلیری، نمونه بودند و آنچه در دلشان نبود، هراس از دشمن بود.

# جوانمردی و بزرگواری

عنایت ویژه محمد (ص)، آغوش زهرا علیهماالسلام، پرورش علی (ع) و شایستگی‌های شخصی، در حسین (ع) جمع شد و از او، نمونه‌ای از بزرگواری، جوانمردی و فضیلت ساخت. مکتب حسین (ع)، پاداش نیکی را نیکی برتر می‌داند. آری مکتب انسانیت چنین است. آنان که نیکی را پاداش نمی‌دهند انسان نخواهند بود و آنان که سزای نیکی را بدی می‌دهند، بویی از انسانیت نبرده‌اند. این حسین (ع) است که در همه احوال و حکایات، مشت را با بوسه پاسخ می‌دهد و با دشمن مهر می‌ورزد، جوانمردی و بزرگواری دارد و راهنمایی می‌کند.

خداترسی  
اولیاءالله به خاطر شناخت و معرفتی که به ذات مقدس الهی دارند، بیش از دیگران ترسانند. حسین (ع) نیز چنین بود. ابن شهرآشوب در مناقب آورده است که از حسین (ع) پرسیدند: «**ما أَعظَمَ خوفُک مِنْ رَبِّک**»[[3]](#footnote-3) چه زیاد از خدا می‌ترسی؟ فرمود: «**لَا يَأْمَنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا مَنْ خَافَ اللَّهَ فِي الدُّنْيَا**»[[4]](#footnote-4) از عذاب خدا در قیامت ایمن نیست، مگر کسی که در دنیا از خدا بترسد. از دعای آن حضرت در روز عرفه، میزان شناخت و ترس او را از خدا درمی‌یابیم که با چشمی گریان پس از بیان اوصاف باری‌تعالی و کیفیت آفرینش جهان هستی و شخصیت شخیص خود، آن‌چنان خدا را در همه احوال، حاضر و ناظر اعمال خویش می‌داند که گویی او را به چشم بصیرت می‌بیند، آنجا که می‌گوید: کور باد چشمی که تو را مراقب خود نبیند و در زیان و خسران باد و بنده‌ای که نصیب و بهره‌ای از عشق و محبت خود در او قرار نداده‌ای.

# علم حسین (ع)

چنانکه می‌دانیم دانش این بزرگواران، موهبت الهی بوده است. علم حسین (ع) و دیگر امامان علیهم‌السلام نیز به افاضه ربانی و بخشش الهی و تعلیم خاص شخص پیغمبر اعظم (ص) بود. وگرنه کدام مدرسه در کل دنیای پر از جهل و نادانی می‌توانست چنین فارغ‌التحصیلانی تحویل دهد که در علوم و فنون متعدد و گوناگون، استاد و از زمان کودکی، مرجع مردم و علما در مسائل علمی باشند و تا امروز کلماتشان برای رجال علم و فلسفه، حلال مشکلات گردد. هرچه انسان در حالات سیدالشهدا (ع) دقیق‌تر شود، بیشتر به این نکته دست می‌یابد که یک بصیرت خارق‌العاده و بینش غیبی در امر دین، راهنمای آن حضرت بوده است. دانش آن حضرت از احتجاجات او با دشمنان اهل‌بیت علیهم‌السلام به‌ویژه معاویه و مروان و نامه‌هایی که به معاویه مرقوم فرموده و خطبه‌هایی که به مناسبت‌هایی ایراد کرده و از دعای عرفه و دعاهای دیگر که از آن حضرت در کتاب‌های شیعه و سنی نقل‌شده، ظاهر و آشکار است. مطلب دیگری که از احادیث به دست می‌آید، این است که حسین (ع)، کثیر الحدیث و الروایة بوده که در آن زمان بااینکه اصحاب پیغمبر کم نبودند و نقل حدیث می‌کردند، مردم، همه آن‌ها را ترک می‌کردند و به مجلس حسین (ع) می‌آمدند.

اخباری که از حسین (ع) در این باب نقل‌شده که حاکی از علم و ذوق سرشار، قوت فتانت، استعداد و قریحه و استحکام منطق است بیشتر از این است که احصا شده است. آن حضرت به‌نوعی در مسائل علمیه اظهارنظر می‌کرد و فتوا می‌داد که موجب تحیر مردم می‌شد، تا حدی که عبدالله بن عمر در حق او گفت: «**اَنَّهُ یغُرُّ الْعِلْمَ غَرّا**»[[5]](#footnote-5) همانا حسین (ع)، علم را می‌نوشید.

# جود و سخای حسین (ع)

درباره کرامت و جود و بخشش حسین (ع) داستان‌های زیادی نقل‌شده است که به‌عنوان نمونه به دو مورداشاره می‌کنیم:

1. عمرو بن دینار روایت می‌کند که امام حسین (ع) به عیادت اسامه بن زید رفت و او بیمار بود. وی را اندوهناک دید. علتش را جویا شد. اسامه گفت: شصت هزار درهم بدهکارم. امام فرمود: بر عهده من که آن را بپردازم. اسامه عرض کرد: می‌ترسم قبل از ادای دین بمیرم. امام حسین (ع) فرمود: نخواهی مرد تا من قرض تو را بپردازم و حضرت پیش از فوت اسامه، دینش را پرداخت کرد.  
2. انس می‌گوید: من خدمت امام حسین (ع) بودم که کنیزش یک شاخه گل آورد و به امام (ع) تقدیم کرد. حضرت فرمود: تو را درراه خدا آزاد کردم. انس می‌گوید: به حضرتش عرض کردم: یک شاخه گل ارزشی ندارد که به خاطر آن او را آزاد کردی! امام حسین (ع) فرمود: خدا ما را چنین ادب آموخته است که می‌فرماید: و چون شمارا تحیت گویند، شما بهتر از آن تحیت گویید یا مثل آن و آزاد کردن کنیز تحیت بهتر بود.

# زهد امام حسین (ع)

بهترین نشانه زهد کامل و خوار شمردن دنیا، فداکاری و گذشت آن حضرت از جان خود و جوانان و برادران و اصحاب ویاران و تن دادن به آن‌همه مصیبت و بلا بود. اگر دنیا و مال و نعمت آن، در نظر کسی بی‌قدر و ارزش نباشد، نمی‌تواند این‌گونه درراه حق و یاری دین خدا و بزرگداشت هدف عالی خود، پایداری و استقامت ورزد تا به حدی که بدن قطعه‌قطعه عزیزانش را ببیند و صدای ناله زنان و کودکان را بشنود، ولی درراه یاری دین خدا، ثابت و پابرجا بماند و در مقابل باطل، نرمش نشان ندهد. حسین (ع) کسی نبود که به خاطر زندگی دنیا و خوش‌گذرانی، مصالح عالی اسلامی را نادیده بگیرد و با گرفتن حق‌السکوت، برقراری چنان دستگاه فاسدِ ظلم و کفر را امضا کند و در ادای تکلیف و وظیفه مهمی که از طرف خدا به عهده دارد، مسامحه و کوتاهی ورزد. علائمی می‌گوید: حسین (ع) در این ناحیه، بزرگ و یگانه بود. زندگی دنیا را خوار می‌شمرد و از مرگ بیم و هراس نداشت و به‌جز برهان پروردگارش که همه‌چیز را فدای آن می‌کرد، به هیچ‌چیز نظر ندوخت.

# مهربانی با خانواده

امام حسین (ع) با همسران و فرزندان خویش درنهایت ادب و محبت و مهربانی معاشرت می‌کرد. عقّاد می‌نویسد: حسین (ع) از آن‌کسانی بود که به فرزندان خویش، محکم‌ترین علایق را داشت و نیز نسبت به همسرانش بهترین عواطف را دارا بود. گفته‌شده است امام درباره همسر باوفایش، رباب و دختر شیرین‌زبانش، سکینه چنین می‌گفت: به جان خود سوگند، خانه‌ای را دوست می‌دارم که سکینه و رباب را میزبانی کند. من این دو را دوست می‌دارم و مالم را درراه آنان می‌دهم و کسی نمی‌تواند مرا بر این علاقه و دوستی ملامت کند. همین دوستی و صمیمیت است که بنای خانواده را محکم و استوار می‌گرداند و از تزلزل و فروپاشی آن جلوگیری می‌کند. ثمره این وفاداری و انس امام با همسرش را در رفتار همسر آن حضرت پس از شهادتش می‌بینیم. رباب، یکی از همسران باوفای حسین (ع) بود که تا واپسین دم، از امام حسین (ع) جدا نشد و بار شهادت شوهر والامقام خود را بر دوش کشید و به منزل رسانید. رباب بیش از یک سال پس از امام حسین (ع) زنده بود و در تمام این مدت به سوگ شوهر نشست؛ زیر سقفی نرفت و از گرما و سرما پرهیز نکرد تا اینکه در غم حسین (ع) جان داد.

# احترام به برادر

امام حسین (ع) به برادرش امام مجتبی (ع) بسیار احترام می‌گذاشت و همواره با او، همگام و همراه بود و هیچ‌گاه میان دو برادر شکافی رخ نداد. آنچه یکی انجام می‌داد، دیگری می‌پسندید و می‌پذیرفت. از امام باقر (ع) نقل‌شده است که امام حسین (ع) به‌قدری، برادرش امام مجتبی (ع) را گرامی می‌داشت و بزرگ می‌شمرد که در حضور او هیچ‌وقت سخن نمی‌گفت. وحدت کلمه و اتفاق‌نظر، پیوسته در میان دو برادر برقرار بود. چون امام مجتبی (ع) با معاویه پیمان صلح بست، امام حسین (ع) پیمان برادرش را اجرا کرد. هنگامی نیز که برادرش به شهادت رسیده عراقیان برای امام حسین (ع) نامه‌های فراوانی نوشتند تا با رهبری آن حضرت، معاویه را از خلافت، خلع و با ایشان بیعت کنند. بااین‌حال، امام حسین (ع) در پاسخ به نامه‌ها، پیمان صلح برادرش را پیمان خود می‌خواند و به آن‌ها پاسخ منفی می‌داد.

# خطبه دوم

اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، **نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین .** اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **«یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»[[6]](#footnote-6) عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# حفظ ارزش‌های عزاداری امام حسین (ع)

از عوامل مهم قیام امام حسین (ع) اهتمام و احیای فریضه امربه‌معروف و نهی از منکر بوده است و دو ماه محرم و صفر فرصت مناسبی است تا به این فریضه الهی پرداخته شود. در دو ماه محرم و صفر جلسات عزاداری در تمام مناطق کشور برگزار می‌شود و هر چه به تاسوعا و عاشورای حسینی نزدیک می‌شویم عزاداری‌ها باشکوه‌تر برگزار می‌شود.

در عزاداری‌های حسینی در کنار شور حسینی باید شعور حسینی هم باشد و عزاداری‌ها به سبک سنتی برگزار شود و در بیان موضوعات در جلسات و هیئت‌ها از منابع معتبر استفاده شود. هدف از برگزاری جلسات عزاداری امام حسین (ع) باید دست پیدا کردن به پیام‌ها و درس‌های عاشورا باشد و یکی از مهم‌ترین پیام‌های عاشورا توجه به نماز اول وقت است. هدف دیگر برگزاری جلسات عزاداری امام حسین (ع) حفظ ارزش‌ها و به پا داشتن نماز است.

قیام امام حسین (ع) و حادثه عاشورا ازجمله مقاطع بسیار مهم در تاریخ بشر و متحول کننده است. باوجود مخالفت‌های فراوان، این واقعه در طول زمان زنده مانده است و عاشورا درواقع گنجینه‌ای پرقیمت است که همه افراد بشر می‌توانند از آن استفاده کنند.

عزاداری امام حسین (ع) به معنای زنده نگه‌داشتن و حفظ ارزش‌های معنوی الهی است، همه عزاداران ازجمله گویندگان، وعاظ و مداحان باید مراقب باشند که شأن و جایگاه این حقیقت عزیز را حفظ کنند و مبادا برخی خرافه‌ها یا کارهای غیرمعقول موجب ضایع شدن عزاداری امام حسین (ع) شود. مجلس و منبر امام حسین (ع) را محل بیان حقایق دینی و حقایق حسینی است. مجالس امام حسین (ع) باید مجالس ضد ظلم، ضد سلطه، و ضد یزیدها، شمرها و ابن زیادهای زمان حاضر باشد.

مسئله کنکور و توجه به مسائل تربیتی و اخلاقی فرزندان

# تقویت انگیزه‌های درونی

اگر می‌خواهید همراه خوبی باشید به تلاش‌های مثبت فرزندتان بیش از نکات منفی توجه داشته باشید و به‌اصطلاح انگیزه‌های درونی او را تقویت نمایید. با این کار حس مسؤولیت پذیری او را نیز افزایش‌خواهید داد.  این عرف بعضی از والدین است، تا زمانی که فرزندشان کار خودش را می‌کند کاری به کار او ندارند چون تصور می‌کنند وظیفه‌اش را انجام می‌دهد. اما به‌محض این‌که کوچک‌ترین نشانه‌ی تنبلی و کم‌کاری را مشاهده کردند بلافاصله عکس‌العمل تندی نشان می‌دهند. اتفاقاً قضیه باید برعکس باشد. باید برای زمانی که وظیفه‌اش را انجام می‌دهد به او توجه کنید و نشان دهید که متوجه تلاش او هستید. از طرف دیگر فرزند شما ممکن است اشتباه کند، گاهی امکان دارد به استراحت نیاز داشته باشد و زمانی هم انگیزه‌اش را از دست بدهد، اینجا هم شما به‌جای واکنش  تند، باید کمی مدارا و تحمل را پیشه سازید و باز دنبال رفتارهای مثبت اوباشید.

# اجتناب از تنش و ایجاد اضطراب

یک نکته‌ی فوق‌العاده مهم دیگر، فرزند شما به خاطر شرایطی که در آن قرار دارد و فشاری که به او وارد می‌شود گاهی ممکن است رفتارهای تنش را از خود نشان دهد. بهانه‌گیری، نق زدن، رفتار تند و غیرمؤدبانه، بی‌قراری، سر جروبحث ر آ باز کردن، توقعات نامعقول و… ازجمله موارد رفتارهای تنش‌زا هستند. باز شما که در شرایط متعادل‌تری قرار دارید بهتر می‌دانید هم به آرامش اوضاع وهم به آرام‌سازی فرزندتان کمک کنید. اگر شما هم بخواهید عکس‌العمل نشان دهید به‌طور حتم اوضاع ازآنچه که هست بدتر خواهد شد.

تجربه نشان داده است که دانش آموزان کنکوری در مقاطعی به دلیل استمرار فعالیت، خستگی و یا فشارهای محیطی دچار افت می‌شوند. ایام بعد از امتحانات نوبت اول در مورد دانش آموزان پیش‌دانشگاهی، بعد از ایام عید، و نزدیکی‌های هفته‌های پایانی ازجمله مقاطعی است که افت روحیه در آن زیاد دیده می‌شود. هم والدین و هم دانش آموزان باید مراقب باشند، که این افت‌های مقطعی را غیرعادی تلقی ننمایند و بدانند که این وضعیت گذرا است. والدین در این مقاطع نباید از تقویت انگیزه‌های درونی غافل بمانند.

# عدم مقایسه

یکی از لطمات سنگین خانواده‌ها بر روی فرزندان، مقایسه‌ی آن‌ها با دیگران است. بسیار پیش‌آمده که در جلسات مشاوره دانش آموزان کنکوری از وجود چنین جوّی در محیط خانواده به‌شدت ابراز نارضایتی کرده‌اند. مقایسه با دوستان افراد فامیل، فرزندان آشنایانی که قبول‌شده‌اند، اگرچه باهدف ایجاد انگیزه صورت می‌گیرد، ولی عملاً نتیجه‌ای عکس به بار می‌آورد و گاه حتی باعث تنفر و بیزاری دانش آموزان نه‌تنها از کنکور، بلکه هر موضوع مرتبط با آن می‌شود. مقایسه روش خوبی برای ایجاد انگیزه نیست و یا حداقل تنها روش ممکن نیست. به‌جای آن تقویت انگیزه‌های درونی را توصیه می‌کنیم.

# دعا

خدایا تو را به عاشورا سوگند می‌دهیم ما را عاشورائی قرار بده. ما را از ولایت و محبت اهل‌بیت لحظه‌ای جدا مفرما. نسل ما و ذریه‌ ما را و نسل جوان ما را در معرض ولایت و محبت و عاشق و شیفته واقعی اهل‌بیت قرار بده. خطرها را از امت اسلام دفع بفرما.

**نسئلک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الأعزّ الأجلّ الاکرم یا الله ... یا ارحم الرحمین. اللهم ارزقنی توفیق الطاعة و بعدالمعصیة و صدق النیّة و عرفان الحرمة؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر واهله.**

1. **. سوره اعراف، آیه 43.** [↑](#footnote-ref-1)
2. . آل‌عمران، آیه 102. [↑](#footnote-ref-2)
3. . بحارالانوار؛ ج 44 ص 192. [↑](#footnote-ref-3)
4. . همان. [↑](#footnote-ref-4)
5. . سمو المعانی، ص 148. [↑](#footnote-ref-5)
6. . حشر، آیه 18. [↑](#footnote-ref-6)